



امام(ره) پرچم عرفان سیاسی را برافراشت که معنویت گرایی، آزادی و عدالت خواهی را در خود نهفته داشت

دکتر مهدی مطهرنیا تحلیلگر مسائل سیاسی گفت: امام خمینی(ره) در عصری که پاپ در رم پرچم معنویت گرایی را برافراشته و امریکاییها در واشنگتن پرچم آزادی را برافراشته بودند...

دکتر مهدی مطهرنیا استاد دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس مسائل سیاسی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) درباره بعد عرفانی شخصیت ایشان به خبرنگار مهر گفت: امام خمینی(ره) تجسم بخش عرفان سیاسی بود. تا آن زمان، عرفان درون گرایی معنوی با آرایه شکلی عزلت گرایی را به جهان معرفی کرده بود. عرفانهای گوناگون با خمیرمایه های مختلف معنویت گرا در آرایه های شکلی انزواپذیر حلقه های اتصال خود را با جمعیت ها، جماعت ها و در مجموع جامعه، گسیخته بودند چه برسد به اینکه در جامعه یک حیات سیاسی را باز بدانند و رهبری تحرکات مدنی، اجتماعی و سیاسی را در ابعاد گوناگون آن به عهده بگیرند.

وی افزود: امام خمینی(ره) در عصری که پاپ در رم پرچم معنویت گرایی را بر افراشته و امریکایی ها در واشنگتن پرچم آزادی را بر افراشته بودند و مارکسیستها در مسکو پرچم عدالت در گستره بین المللی را برپا داشته و زیر این پرچمها هرکدام به یارگیری می پرداختند به ناگاه پرچم عرفان سیاسی را برافراشت که معنویت گرایی و آزادی و عدالت خواهی را در خود نهفته داشت.

دکتر مهدی مطهرنیا استاد دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس مسائل سیاسی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) درباره بعد عرفانی شخصیت ایشان به خبرنگار مهر گفت: امام خمینی(ره) تجسم بخش عرفان سیاسی بود. تا آن زمان، عرفان درون گرایی معنوی با آرایه شکلی عزلت گرایی را به جهان معرفی کرده بود. عرفانهای گوناگون با خمیرمایه های مختلف معنویت گرا در آرایه های شکلی انزواپذیر حلقه های اتصال خود را با جمعیت ها، جماعت ها و در مجموع جامعه، گسیخته بودند چه برسد به اینکه در جامعه یک حیات سیاسی را باز بدانند و رهبری تحرکات مدنی، اجتماعی و سیاسی را در ابعاد گوناگون آن به عهده بگیرند.

این کارشناس مسائل سیاسی ادامه داد: امام خمینی(ره) نه تنها فیلسوفی بنام، متکلمی قابل، فقیهی بسیار توانمند و سیاستمداری برجسته بود بلکه یک عارفی بود که روح عرفان و عمل عرفانی را در سیاست، فقه، کلام و فلسفه دمید؛ و از این جهت توانست انقلابی را به جهان معرفی نماید که در اصالت معنایی آن در زمان بروز و ظهورش توانست زمینه ساز و زمینه پرور یک حرکت بسیار بزرگ در گستره تاریخ ایران و به پیروی از آن تاریخ منطقه و نظام بین المللی باشد و به عنوان یکی از بزرگترین عصر انقلابها در پایان قرن بیستم میلادی در اوراق تاریخ جهان، جای بگیرد.

مطهرنیا عنوان کرد: لذا باید گفت آنچه که بیش از هر چیز دیگری، امام خمینی(ره) را به امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران در جهان مشهور کرد و عامل پیروزی آن بودند فقط مرجعیت، فیلسوف، کلامی، سیاستمدار بودنش نبود بلکه همه اینها با روح عرفان سیاسی ای بود که حضرت امام(ره) به آن باور داشت. اخلاقی که او در خود نهادینه کرده بود در عرفان عملی او بروز کرد؛ به گونه ای که باید گفت آن چیزی که بیشتر از رهبری او مهم بود دروغ نگفتن، غیبت نکردن، تهمت نزدن، ریاکار نبودن و حسادت نورزیدن و غرور نداشتن و از همه مهمتر ارتباط وثیقی بود که با مردم و بدنه جامعه داشت.

مطهرنیا در مورد اینکه چرا امام(ره) بر خلاف اغلب عرفای اسلامی، وارد مسائل سیاسی و اجتماعی شد هم افزود: به دلیل اینکه او عرفان را از منظر کارکردی مورد توجه قرار داد. عرفان یک ساخت و ساختاری معنوی است که انسان را به هویت معنوی خود باز می دارد. انسان عارف انسانی است که نخست خود را می شناسد و از طریق احترام به خود و خویشستن شناسی به یک خویشستن پروری ای دست می یابد که در پرتو آن خدای رحمان را می شناسد و خود را در خدمت خدا قرار می دهد.

وی تصریح کرد: وقتی امام(ره) از منظر کارکردی به این ساختار می نگرد خود را در خدمت خدا قرار می دهد یعنی در کارکردش به خاطر خدا برای مردم قیام کردند. من می اندیشم که خمینی به خاطر خدا برای مردم قیام کرد؛ فلذا او عارفی بود که از جنبه کارکردی به عرفان نگرست و کارکرد عرفان را در قیام به حق در جهت اعتلای جایگاه مردم بر نهاد.

مطهرنیا در مورد اینکه امام(ره) با تمسک و توسل به چه چیزی به قیام علیه رژیم طاغوت پرداخت عنوان کرد: آنچه که برای امام(ره) در مرحله نخست اهمیت داشت انجام تکلیف در برابر خدای خودش بود. خدایی که او برای خود تعریف کرده بود خدایی بود که ظلم را بر نمی تافت و عارف سیاسی را در خدمت مبارزه با ظلم قرار می داد. فلذا باید بگوییم که اولین عامل این بود.

این تحلیلگر و آینده پژوه سیاسی یادآور شد: دومین عامل هم این بود که او همه راه های اصلاح طلبانه با شاه را تجربه کرد؛ در رژیم گذشته بارها و بارها تلاش نمود که مسیر حق را به محمدرضا پهلوی نشان دهد، اما آنچه که مسلم است این امر صورت نپذیرفت. لذا این نکته، نکته اساسی بود که ما در رفتار و کنش حضرت امام شاهد بودیم. فلذا دومین عامل را باید در این مسیر دید. سومین عامل، ادای تکلیف در برابر وجدان جامعه ای بود که ایشان را مرجع خود و سپس رهبر خود نامید. فلذا او به عنوان یک عارف سیاسی باید در برابر تابعین خود پاسخگو می بود فلذا دیدیم که نظامی را بر پا داشت که جمهوریت از منظر آرایه شکلی، پایه آن بود و روح اسلامیت در آن دمیده شد.

این تحلیلگر سیاسی ادامه داد: همو بود که گفت من به کمک و پشتوانه مردم به دهن این دولت(شاه) می زنم و دیدیم که او بارها گفت ما تا زمانی هستیم که مردم ما را بخواهند؛ اگر مردم ما را نخواهند کنار می رویم. لذا این جملات، نشان دهنده این

است که وی بر روی زمین اگر چه الهی می زیست و قدرت خود را از خدا می پنداشت و به خدا تکیه دارد هیچ گاه مردم و پاسخگویی به مردم و خواست و اراده مردم را نادیده نمی انگاشت.

مطهرنیا در مورد اینکه آیا ابعاد علمی امام خمینی(ره) زیر سایه ابعاد سیاسی وی پنهان مانده است، هم گفت: چرا؛ همینطور است، امام خمینی(ره) را باید برای نسل جوان باز تعریف کرد. خمینی یک نام نیست یک مکتب است به بازتابشگر مکتب ناب است، لذا باید ابعاد گوناگون آن را مورد توجه قرار داد. حامد الگار نویسنده مشهور و استاد دانشگاه های بزرگ ایالات متحده امریکا از شارحان بزرگ زندگی امام است. او به خوبی و با تمام صراحت می گوید: خمینی(ره) یک عارف بزرگ، یک کلامی بزرگ، یک فیلسوف بزرگ و یک فقیه و مرجع بزرگ اسلامی است؛ ولی ابعاد سیاسی رفتاری و کنشهای او آنقدر گسترش پیدا کرد و عمق پذیرفت که ما شاهد آن بودیم که آنچه که صورت پذیرفت به واقع نمایانگر غلبه سیاسی زندگی و حیات ایشان بود که ابعاد دیگرش را ناشناخته گذاشت. امروز رسالت خانواده بزرگ حضرت امام بویژه نوه بزرگوارش حجت الاسلام سیدحسن خمینی و سامانه ای که وی هدایت می کند تا بیش از دیگران این رسالت را به انجام برساند و دیگر دوستداران حضرت امام(ره) در ایران و نقاط مختلف جهان باید در بررسی و تصدیق ابعاد وجودی او در اذهان نسل جدید کوشش کنند.